

آثار فقهی و حقوقی تدلیس ماشطه با عمل جراحی‌های زیبایی در عقد نکاح

اطهر درویشی^۱

دکتری حقوق بین الملل و ناظر و بازیبن شبکه ماهواره ای و بین المللی الثقلین، تهران، ایران

چکیده. جراحی زیبایی یکی از پدیده‌های نو ظهور می‌باشد و به عنوان یک پدیده مهم و جدی توانسته است حوزه‌های مهمی از زندگی فردی و جمعی انسان‌ها را به انحای مختلف تحت تاثیر قرار بدهد. از آن جا که افراد مختلفی در این فرآیند نقش و سهم دارند، طبیعی است که مسائل و معضلات حقوقی متعددی نیز در اثر آن پدید بیاید. در سال‌های اخیر اندیشمندان فقه امامیه و همچنین حقوق‌اقدانان به بررسی فقهی و حقوقی آن پرداخته‌اند و برای اثبات آن ادله و ضمان اجرا بیان کرده‌اند. از جمله: قاعده لاضرر، قاعده تسلیط، دیه، ضمان و... می‌باشد. در این مسئله فقها دیدگاه‌های مختلفی دارند برخی از آن‌ها قائل به جواز جراحی زیبایی می‌باشند و گروهی دیگر قائل به حرمت این عمل می‌باشند. در حقوق ایران، با عنایت ویژه قانون گذار در بند 2 ماده 59 قانون مجازات اسلامی به ضرورت شرعی به عنوان یک معیار حقوقی، اهمیت و توجه به اباحه این قسم عملیات زیباسازی از منظر فقها را نمایان می‌سازد. در این پژوهش با روش وصفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: تدلیس ماشطه، جراحی زیبایی نو ظهور، عقد نکاح، تدلیس در عقد نکاح.

پایان یافته شده.

^۱ نویسنده مسئول: athar.darvish7531@yahoo.com

The Jurisprudential and Legal Effects of *Tadlīs al-Māshīṭa* (Cosmetic Deception) through Modern Cosmetic Surgery in Marriage Contracts

Atehar Darvishi

PhD in International Law; Supervisor and Reviewer at Al-Thaqalayn International Satellite Network, Tehran, Iran

Abstract

Cosmetic surgery is a modern and increasingly widespread phenomenon that has significantly influenced various dimensions of individual and social life. Because multiple actors participate in this process, it inevitably gives rise to numerous legal and jurisprudential challenges. In recent years, scholars of Imāmī jurisprudence as well as contemporary jurists have examined the legal status of cosmetic procedures, presenting arguments and enforceable legal consequences based on principles such as the *lā ḍarar* rule (no-harm principle), the rule of *taslīṭ* (authority over property), *diyāh* (financial compensation), and general rules of liability. In the specific issue of *tadlīs al-māshīṭa*—a form of deceptive beautification—the jurists hold diverging views: some argue for the permissibility of cosmetic surgery, while others deem such procedures impermissible. In Iranian law, the legislator’s explicit reference in paragraph 2 of Article 59 of the Islamic Penal Code—which invokes “religious necessity” as a legal standard—illustrates the importance of jurisprudential considerations in legitimizing certain beautification practices. This research, conducted through a descriptive-analytical method and relying on library sources, analyzes the jurisprudential and legal implications of modern cosmetic surgery when it constitutes deception in the context of marriage contracts.

Keywords: *Tadlīs al-māshīṭa*, modern cosmetic surgery, marriage contract, deception in marriage.

واقعیت آن می‌باشد که زیبایی دوستی و تمایل به زیبایی و امور زیبا یک میل درونی و فطری در وجود انسان است به گونه‌ای که می‌توان بیان داشت همواره در طلب آن بوده‌ایم. در این باره در روزگاران پیش از تاریخ یا قرون گذشته سخن به میان آمده است و براساس یافته‌های باستان‌شناسی و نوشته‌های موجود در کتاب‌های تاریخی و حتی سنگ نوشته‌ها حکایت از برخی اقدامات انسان در راستای حفظ زیبایی می‌باشد. با این حال روزگاران کنونی با پیچیده‌تر شدن زندگی بشر و عوامل و نیروهای دیگری از قبیل: افکار عمومی، اتاق‌های فکر و... تا افراد علاوه بر خواسته‌های شخصی خود گاهی زیبایی و زیبایی دوستی را در محک نظر و دیدگاه جامعه قرار دهند به همین خاطر به منظور دستیابی به نظر و نگاه مثبت جامعه و افکار عمومی بدن خود را در معرض تیغ جراحی قرار می‌دهند تا زیبا شوند یا از لحاظ روانی زیبا جلوه کنند. در این میان فقها و حقوقدانان و حتی روانشناسان متخصص دیدگاه‌هایی را بیان نموده‌اند و درصدد بیان و شرح و تحلیل این موضوع هستند. به عنوان مثال در بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی، که بر طبق شرایط این ماده، ضروری است که به منظور رفع مسئولیت جراح زیبایی قانون را رعایت کنند. بر همین اساس در پژوهش حاضر سعی شده است ضمن پاسخ به این گونه پرسش‌ها از زاویه‌ی دیگر از جمله رویه قضایی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

مفهوم شناسی پژوهش

تدلیس

تدلیس در معاملات پنهان کردن عیب کالا از مشتری و فریب او می‌باشد. «دلس» بر تاریکی و پوشش دلالت دارد؛ همان گونه که فروشنده عیب کالا را می‌پوشاند و آن را در ابهام و تاریکی قرار می‌دهد (معجم الصحاح، ۱۴۲۹ق، ص ۳۶۵، ابن فارس، بی تا، ص ۳۴۴).

در فقه مسئله تدلیس، ذیل مباحث گوناگونی مطرح گردیده که یکی از موارد آن تدلیس ماشطه می‌باشد. صاحب ریاض در مورد تدلیس زن آرایشگر این گونه بیان می‌دارد: «تدلیس ماشطه به این است که در زن زیبایی‌هایی را آشکار کند که در اصل، در او وجود نداشته باشد، مثل سرخ نمودن چهره یا وصل کردن کلاه گیس و...، به این دلیل که خواهان او زیاد شود...» (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۰۴). همچنین صاحب شرایع می‌گوید: «سرخ نمودن صورت و وصل مو و مشابه این‌ها تدلیس است که موجب خیار فسخ می‌شود» (حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸۴).

به طور کلی براساس مطالب و بیانات گفته شده می‌توان گفت که در فقه به صورت مستقیم اشاره به جراحی زیبایی نداشته است، لیکن با مسائل مستحدثه و با تنقیح مناظ و اخذ ملاک از منابع دینی می‌توان به این نتیجه رسید که اگر مرد و زن با این جراحی درصدد فریب طرف مقابل باشد، حرام خواهد بود.

جراحی زیبایی

جراحی زیبایی نوعی از جراحی پلاستیک می باشد که به منظور بازسازی یا زیباسازی یا برطرف نمودن آسیب ها و نواقصی ظاهری بخشی از بدن صورت می گیرد (احدوث، ۱۳۵۵: ۴۸). بر اعضای مختلف بدن جراحی زیبایی از جمله لب، بینی، گونه، چانه، گردن، سینه، ران، شکم و دیگر اعضا صورت می گیرد. برای جراحی زیبایی روش های مختلفی بیان شده است؛ مثل تزریق ژل، تزریق بوتاکس، تزریق چربی، لیفت پروتز، بوتاکس لیپولزر، لیپوساکشن. بنابراین برخی از جراحی های زیبایی در جهت زدودن و برداشتن بخش های زائد بدن می باشند، همانند برخی از عمل های جراحی کوچک سازی بینی، و برخی نیز در جهت افزودن و حجم دادن به بخش های ناقص می باشند، مانند برخی از عمل هایی که برای برجسته سازی گونه صورت می گیرد.

احکام فقهی و حقوقی جراحی زیبایی

فقیهان معاصر در مورد حکم جراحی زیبایی اختلاف نظر دارند. بر همین اساس می توان نظرات فقها در این زمینه را به دو قول جواز و حرمت تقسیم نمود.

نظریه جواز

به گفته بیشتر فقهای معاصر شیعه، جراحی زیبایی به خودی خود و با صرف نظر از عناوین دیگر جایز می باشد (خویی و تبریزی، ص ۳۶۸). با این حال فقیهانی چون گلپایگانی، منتظری، فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی، صانعی و نوری همدانی بر این عقیده و نظر می باشند که جراحی زیبایی به شرطی که برای اغراض عقلایی باشد، جایز است و همچنین منتظری و فاضل لنکرانی و صانعی، تامین زیبایی را از اغراض و مقاصد عقلایی دانسته اند (منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۳۸، گلپایگانی، ارشاد السائل، ص ۱۷، لنکرانی، احکام بیماران و پزشکان، ص ۱۳۴، صافی گلپایگانی، استفتائات پزشکی، ص ۲۶۵-۲۶۹، صانعی، استفتائات پزشکی، ص ۴۵، نوری همدانی، هزار و یک مسئله، ص ۲۴۱). فقها ادله هایی مطرح نموده اند از جمله، اصله الاباحه، قاعده تسلط و.... مشهور فقهای امامیه عمل جراحی زیبایی را مشروع می دانند. آیت الله سیستانی این کار را بدون اشکال می داند. آیت الله مکارم شیرازی بیان می کند: «در صورتی که این عمل آمیخته به عمل حرام دیگری نباشد اشکال ندارد و جایز است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ۴۸۰). همچنین امام خمینی در این زمینه می فرماید عمل جراحی در جهت زیبایی مانعی ندارد. آیت الله تبریزی در این زمینه می گوید اگر برای چنین اعمالی از پوست و اعضای بدن خود شخص در جهت زیباسازی و ترمیم استفاده گردد اشکالی ندارد.

نظریه حرمت

محمد تقی بهجت از فقهای معاصر بر آن است که «جراحی زیبایی اگر صرفاً برای زیبایی باشد احتیاط واجب بر ترک آن است» (قاسمی، ص ۱۹۵). همچنین محمد علی گرگانی نیز در جواب استفتائی درباره حکم شرعی جراحی

زیبایی به منظور زیبایی، جواز آن را به طور کلی رد کرده است (صفایی و کاظمی، ص ۳۰-۳۲). اگر عمل زیبایی از نوع درمانی و برای رفع عیب باشد اختلافی در جواز آن وجود ندارد. لیکن اگر این عمل صرفاً برای زیبایی باشد مشهور فقهای اهل سنت آن را حرام می‌دانند (المحامید، ۲۰۰۵م: ۳۱۷). مطابق این نظریه، عمل‌هایی چون کشیدن پوست، کوچک‌سازی بینی، و زیباسازی لب‌ها حرام می‌باشد. و حتی برخی استفاده از چشم مصنوعی را حرام دانسته‌اند؛ زیرا کارکرد درمانی ندارد و عملکرد جسم انسان با آن و بدون آن تفاوتی ندارد و فقط برای زیبا تر شدن چهره استفاده می‌گردد (حسینی، ۲۰۰۸م: ۹۲). در میان فقهای امامیه این نظریه طرفدار چندانی ندارد و فقط برخی از فقها انجام دادن عمل زیبایی را مخالف با احتیاط دانسته‌اند (گرم آبدشتی، ۱۳۸۳: ۶۶).

نظریه مختار

اکثریت فقهای شیعه با استناد به اباحه زیباسازی صورت و بدن و فارغ از ضرورت‌های روحی و روانی، انجام جراحی زیبایی را در تمامی اقسام آن امری مجاز می‌دانند اما به طور مطلق قائل به اباحه نمی‌باشند؛ بلکه غالباً آن را در صورتی صحیح می‌دانند که ضرر برای متعهد به نداشته باشد و مستلزم کار حرامی نبوده است و به طور خاص از ادله شرعی از آن نهی نشده باشد؛ لذا به نظر می‌رسد باید پزشک را ملزم به عدم انجام جراحی در مواردی که امکان خطر شدید وجود دارد دانست.

آثار و لوازم آن

حرمت تجمیل با لحاظ نگاه حرام

یکی از محرمانی که عمل‌های جراحی زیبایی به همراه دارد، نگاه حرام می‌باشد؛ به دلیل این که طی عملیات جراحی، پزشک و کادر مربوطه که مراحل مختلف را بر عهده دارند، معمولاً مماثل با بیمار نمی‌باشند و نگاه حرام اجتناب‌ناپذیر است. از نظر اسلام در مورد نگاه به بدن زن یا مرد نامحرم محدودیت‌هایی دارد که از نظر همه مذاهب اسلامی پذیرفته شده و اجماعی می‌باشد. در این باره شهید ثانی در کتاب رسائل بیان می‌کند: «نگاه به زن نامحرم به طور مطلق حرام می‌باشد» (عاملی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۱۹۷).

همچنین مرحوم امام در تحریر الوسیله آورده‌اند: «همچنان که بر مرد نگاه به زن نامحرم حرام است، بر زن پوشش در برابر نامحرم واجب است و در هر حال بر مردان حجاب واجب نیست؛ گرچه بر زنان نگاه به مردان غیر از موارد استثناء جایز نیست و مردان اگر بدانند که زنان عمدتاً به آن‌ها نگاه می‌کنند، بهتر است از باب احتیاط خود را بپوشانند و این پوشش برای مردان بنا بر قول قوی تر لازم نیست (موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۰).

در نتیجه براساس نظرات فوق باتوجه به حرمت نگاه به نامحرم و لزوم پوشش در برابر نامحرم، انجام جراحی زیبایی که ملازم با نگاه حرام است، وجه جوازی ندارد.

مقارنت تدلیس و غش علت تحریم جراحی زیبایی

واژه «غش» در لغت به معنای اظهار خلاف آنچه پنهان شده است و ضد خیرخواهی می‌باشد (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۹۰۷). در باب تدلیس ماشطه صاحب جواهر بیان می‌کند: «تدلیس زن آرایشگر شاید به عنوان غش یا در حکم غش باشد؛ یعنی برای جلب خواستگاری زنی را می‌آراید و زیبایی را که در او نیست، آشکار و زشتی‌ای را پنهان می‌کند؛ کارهایی مثل سرخ نمودن صورت و وصل مو و مشابه این‌ها، این حکم بلاخلاف است و من در این مورد اختلافی ندیده‌ام؛ بلکه برخی دیگر مدعی اجماع بر حرمت تدلیس ماشطه از باب غش هستند و این دلیل مسئله است؛ افزون بر این که نصوص دال بر حکم غش شامل آن می‌شود» (نجفی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۲، ص ۱۱۳). در این باره شیخ انصاری می‌فرماید: «تدلیس زن آرایشگر در مورد زنی که در معرض ازدواج است، بلاخلاف حرام است، همچنان که از ریاض و مجمع الفوائد ادعای اجماع رسیده و همچنین زنی که این تدلیس را به شخصه در مورد خودش انجام دهد...» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۳).

بنابراین قائلان به حرمت جراحی زیبایی با استناد به دلایلی که مدعی‌اند اجماع بر حرمت آن بیان می‌کنند، و میان این که فرد خواهان جراحی، اراده غش یا تدلیس داشته باشد یا چنین اراده‌ای نداشته باشد مطرح نکرده‌اند.

حرمت جراحی زیبایی به سبب اضرار به نفس

یکی دیگر از دلایلی که مطرح می‌کنند، حرمت به اضرار به نفس می‌باشد. هیچ شکی وجود ندارد که جراحی زیبایی عوارض و ضررهایی بر بدن دارد، لیکن این مسئله مطرح است که آیا اضرار به هر درجه و به هر نحو حرام می‌باشد؟ در این زمینه برخی فقها (مومن قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰) با استدلال به بعضی آیات مانند «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و خویشتن را به دست خود به هلاکت میندازید» (بقره: ۱۹۵) یا روایات ضرر (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۴۶؛ ج ۲۵، ص ۹، ح ۴۲۸). با توجه به حکم عقل به قبح اضرار به نفس، حکم حرمت اضرار به نفس مطلق می‌داند و نکته محوری استدلال ایشان حکم عقل به دفع هرگونه ضرر می‌باشد. بنابراین در این مسئله و جواب دفع ضرر محتمل و ملاک اضرار (فساد ابدان) را به بحث حاضر سرایت داده‌اند و حکم به حرمت اقدام به عمل زیبایی را صادر کرده‌اند.

نظر نظام حقوقی در مورد ضمان پزشک در جراحی زیبایی

فقهایی همچون (حلی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۸۴؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۴) در این مسئله، آگاهی، توانمندی و علم طبیب را درباره کار طبابت شرط می‌دانند و معتقدند اگر قصوری از سوی پزشک صورت بگیرد و آسیب روحی یا جسمی به بیمار وارد شود، پزشک ضامن می‌باشد. بر همین اساس هیچ پزشکی نمی‌تواند به ممنوع نیازمند خود زیان وارد کند و تندرستی او را به خطر بیندازد؛ و گرنه مسئول و پاسخ‌گوی عمل خود خواهد بود.

به طور کلی می‌توان این گونه بیان داشت که قرارداد پزشکی به عنوان عقدی خاص و قائم به ذات پذیرفت که صفات و ویژگی‌های مختص به خود را دارد و آن را از سایر قراردادها متمایز می‌سازد و باتوجه به ماده ۱۰ قانون مدنی عقدی صحیح می‌باشد.

در متعهد بودن پزشک حقوقدانان بیاناتی را دارند از جمله دکتر کاتوزیان می‌گوید: «در تعهد به نتیجه اثبات به دست آمدن آن با مدیون است و همچنین متعهد گاهی تعهد می‌کند که فقط وسایل مناسب و کارهای لازم برای رسیدن به نتیجه مدنظر را به کار ببرد؛ همچون و کیلی که تعهد می‌کند از موکلش دفاع کند؛ اما قول نمی‌دهد که به نفع او حکم کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۴۹).

به بیان دیگر، «تقصیر در تعهد به وسیله، به کار نگرفتن احتیاطی است که می‌توانست جلوی خسارت را بگیرد. همچون مراقبت ناکافی از بیمار و استفاده نکردن از همه امکانات و توانایی‌ها. در موارد این چنینی قاضی باید ببیند که تعهد چه چیزی را تحمیل می‌کند؛ بنابراین باید تقصیر را ارزیابی کند و نحوه عمل رفتار به الگو و مرجع را در شرایط واقعی در نظر بگیرد» (ژوردن، ۱۳۸۶، ص ۸۴).

در نتیجه در فقه و حقوق تعهد پزشک تعهد به وسیله می‌باشد؛ لیکن این اصل استثنائاتی دارد که تضمین سلامتی بیمار، انتقال خون، آزمایشات پزشکی، بی‌هوشی، اعضای مصنوعی و جراحی زیبایی از جمله استثنائات می‌باشند؛ به دلیل آن که بستگی به نوع قرارداد میان پزشک و بیمار دارد که گاه جراح با تکیه بر مهارت خود، نتیجه مطلوب را تضمین می‌کند.

نتیجه‌گیری

اوصاف و حالات مختلف مربوط به جراحی‌های گوناگون زیبایی و ترمیمی و ارتباط آن با حوزه‌های علمی مختلفی و همچنین مسائل شرعی، حقوقی و... موجب گردیده است که دیدگاه‌ها و نظرات و احکام گوناگونی مطرح گردد از جمله حقوقدانان و فقها بر این باورند تا برای این پدیده که دلخواه و مطلوب بسیاری از جوانان می‌باشد ضوابط و چارچوب‌های مشخصی را قرار دهند تا مبادا آثار و پیامدهای روانی، جسمی و حتی اجتماعی از عدم موفقیت این گونه اعمال جراحی که اکثراً بر پایه‌های روانشناختی و تمایل به ظهور و بروز افراد با شکل و شمایل مطلوب خود

صورت گرفته‌اند. لذا به نظر می‌رسد شخصی که تحت عمل جراحی زیبایی و نیز پزشک معالج اقدام به این عمل می‌نماید بایستی از چارچوب‌های قانونی و حقوقی مرتبط و همچنین از منظر فقهی و احکام مرتبط با آن اطلاع و آگاهی کافی از جمله، پیامدهای عینی و عملی خاص آن از قبیل: ضمان، دیه و حتی حبس و زندان و همچنین حرمت و جواز آن پیدا کند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن فارس، احمد (بی‌تا)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ج 1، (بی‌جا): مکتب الاعلام الاسلامی.
- حائری طباطبایی، علی بن محمد (1418ق)، ریاض المسائل فی بیان الحکام، ج 16، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
- حر عاملی، محمد بن حسن (1409ق)، وسائل الشیعه، ج 24 و 29، چاپ اول، قم: موسسه آل بیت علیه السلام.
- ژوردن، پاتریس (1386)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- طباطبایی یزدی، سید کاظم (1419ق)، العروه الوثقی (المحشی)، ج 2، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (1387)، قواعد عمومی قراردادها، ج 4، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- موسوی خمینی، سید مصطفی (بی‌تا)، مستند تحریرالوسیله، ج 2، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نجفی، محمد بن حسن (1416ق)، جواهر الکلام، ج 2، چاپ هشتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- انصاری، مرتضی (1415ق)، کتاب مکاسب، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- ایمانی، ام کلثوم (1397)، واکاوی جراحی زیبایی در آینه فقه و حقوق (پیش و پس از اقدام)، فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی، سال 16، شماره 125.
- فکور، حسن، شیخ الاسلامی، عباس، عباسی، محمود (1400)، مسئولیت کیفری ناشی از جراحی‌های نوظهور زیبایی، مجله حقوق پزشکی، دوره 15، شماره 56.
- نوری، سیدحسین، سبئی جهرمی، سعید (1402)، واکاوی فقهی حکم اولی و ثانوی انواع عمل‌های جراحی زیبایی از دیدگاه مذاهب اسلامی و بررسی آن در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف، نشریه پژوهش‌های فقهی، دوره 19، شماره 4.
- مومن قمی، محمد (1415ق)، کلمات سدیده فی مسائل جدیده. قم: اسلامی.
- رنجبری، کیوان (1400)، مبانی حقوقی جراحی زیبایی و پلاستیک، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، دوره 4، شماره 16.
- عباسی، محمود، شکر امرجی، ایوب (1387)، جراحی زیبایی از منظر فقه و حقوق پزشکی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال 2، شماره 6.
- خویی، سید ابوالقاسم؛ تبریزی، میرزا جواد (1432ق)، احکام جامع مسائل پزشکی، قم: دار الصدیقه الشهیده، چاپ اول.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (1396)، استفتانات پزشکی، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
- صانعی، یوسف (1380)، استفتانات پزشکی، قم: میثم تمار.
- علوی گرگانی، محمدعلی (1395)، استفتانات پزشکی، قم: فقیه اهل بیت.
- قاسمی، محمدعلی (1395)، دانشنامه فقه پزشکی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- گرم آبدشتی، علی رضا (1383)، احکام و استفتانات بهداشتی و پزشکی مطابق با فتاوی آیت‌الله العظمی بهجت، قم: مشهور.
- محامید، شویش (2005م)، إذن الزوج لعمليات التجميله التحسينيه، علوم الشریعه و القانون، 314-328.
- مکارم شیرازی، ناصر (1381)، استفتانات جدید، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- حسینی، محمد (2008م)، عملیات التجميل الجراحیه و مشروعيتها الجزائیه بین الشریعه و القانون، بیروت: مرکز ابن ادریس الحلّی.

References

The Holy Qur'an .(n.d)

Ibn Fāris, Aḥmad. (n.d.) .*Al-Majma' al-Maqāyīs al-Lughah* (ed. 'Abd al-Salām Muḥammad Hārūn, 1st ed.). n.p.: Maktabat al-'Ilām al-Islāmī.

Ḥā'irī-Ṭabāṭabā'ī, 'Alī b. Muḥammad. (1418 AH) .*Riyād al-Masā'il fī Bayān al-Ḥukm* (Vol. 16, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage.

Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad b. Ḥasan. (1409 AH) .*Wasā'il al-Shī'a* (Vols. 241 ,29 & st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage.

Jourdān, Patrice. (2007 / 1386 SH) .*Principles of Civil Liability* (trans. and ed. Majīd Adīb, 1st ed.). Tehran: Mīzān Publishing.

Ṭabāṭabā'ī Yazdī, Sayyid Kāzīm. (1419 AH) .*Al-'Urwah al-Wuthqā* (al-Muḥashī, Vol. 2, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing Institute.

Kātūzīān, Nāshir. (2008 / 1387 SH) .*General Principles of Contracts* (Vol. 4, 5th ed.). Tehran: Eshtihār Publishing.

Mūsawī Khomeinī, Sayyid Muṣṭafā. (n.d.) .*Documentation of Tahrīr al-Wasīlah* (Vol. 2, 1st ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.

Najafī, Muḥammad b. Ḥasan. (1416 AH) .*Jawāhir al-Kalām* (Vol. 2, 8th ed.). Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.

Ansārī, Murtazā. (1415 AH) .*Kitāb al-Makāsib* (1st ed.). Qom: International Congress of Shaykh al-'Aẓam Ansārī.

Imānī, Umm Kulthūm. (2018 / 1397 SH). "Exploring Cosmetic Surgery in the Light of Jurisprudence and Law (Before and After the Procedure)".*Islamic Studies Quarterly* ,Vol. 16, No. 125.

Fakūr, Ḥasan, Shaykh al-Islāmī, 'Abbās & ,Abbāsī, Maḥmūd. (2021 / 1400 SH). "Criminal Liability Arising from Emerging Cosmetic Surgeries".*Medical Law Journal* ,Vol. 15, No. 56.

Nūrī, Sayyid Ḥusayn & ,Sabū'ī Jahramī, Sa'īd. (2023 / 1402 SH). "A Jurisprudential Examination of the Primary and Secondary Rulings of Various Cosmetic Surgeries from the Viewpoint of Islamic Sects and Their Review in the Legal Systems of Different Countries".*Fiqh Research Journal* ,Vol. 19, No. 4.

Mūmin Qumī, Muḥammad. (1415 AH) .*Kalāmāt Sadīdah fī Masā'il Jadīdah* .Qom: Islāmiyyān Publishing.

Ranjbarī, Kīwān. (2021 / 1400 SH) .*Legal Foundations of Cosmetic and Plastic Surgery* .*International Journal of Law Yār* ,Vol. 4, No. 16.

'Abbāsī, Maḥmūd & ,Shakr Amrjī, Ayūb. (2008 / 1387 SH). "Cosmetic Surgery from the Perspective of Jurisprudence and Medical Law".*Medical Law Quarterly* ,Vol. 2, No. 6.

